

از مجله هیستوریا.  
نوشته: ژاک میران  
(Jacques Mayran)

ترجمه: دکتر هادی خراسانی

# شکنجه از قدیمی ترین پدیده‌های تاریخ بشر است

« من از کوهستان عبور کردم و به دزدان خود « هولائی » حمله کردم  
و شهر را تسخیر کردم و ۶۰۰ نفر جنگجو را از دم تیغ گذراندم و سه هزار نفر  
اسیر را در شعله‌های آتش سوزاندم و « هولائی » را زنده دستگیر کردم و پوست  
بدنش را کندم و بدیوار دژ آویختم . »

کسی که به ارتکاب این عملیات وحشت انگیز مبادات میکند آسور  
یا نیپال پادشاه آسور است . اخلاف او در این زمینه از وی پیروی نمودند . در موزه  
بریتانیا نقوش برجسته‌ای رامینوان دید که در آن صفوف اسیران آسوری نشان  
داده شده است .

شاید بتوان آسور بهار اظالم ترین ملت جهان قدیم به شمار آورد . ولی شکنجه  
در همه جا و همه وقت وجود داشته است یونانیان قدیم که به ظرافت طبع و زیبا پرستی  
شهرت دارند نیز نسبت بهم نوعان خود رفتار ملایمی نشان نمیدادند .  
« اریستوفان » نمایش نامه نویس یونانی در نمایش نامه « قورباغه‌ها » برای  
شکنجه دادن افراد روش‌های زیر را پیش نهاد میکند :

« متهم را به نردبانی به بندید و به او تازیانه بزنید و پوستش را بکنید و  
عضلاتش را پیچ بدهید . هم چنین می‌توانید در بینی او سرکه بریزید و به پشتش  
آجر بار کنید .

ولی در حقیقت بشر باینگونه توصیه‌ها احتیاج ندارد زیرا برای یافتن  
راه‌های شکنجه از نیروی تخیل سرشاری برخوردار است . در ادوار گذشته بشر

قبل از هر چیزی میکوشید که رضایت خدایان را جلب کند. در قدیم تقدیم قربانی بخدایان برای خوشنود ساختن آن‌ها از اصول اساسی اغلب مذاهب به شمار میرفت. در دوران ماقبل تاریخ انسان‌ها برای فرو نشاندن خشم خدایان بکشتن هم نوعان خود مبادرت می‌ورزیدند.

کشتار اسیران بیش از آنکه برای انتقام جوئی انجام گیرد، به منظور جلب رضایت خدایان صورت میگرفت.

در جهان قدیم، درجه‌ستمگری خدایان در نظر مردم بر حسب زمان و مکان متفاوت بود. در چین قدیم از زمان سلطنت سلسله «چانگ» قربانی کردن انسان‌ها برای خدایان متداول گردیده بود. ولی شاید میتوان گفت که در دنیای قدیم وحشتناکترین طرز قربانی افراد در «کارتاژ» صورت میگرفت.

در آنجا کودکان را برای جلب رضایت «بعل» خدای بزرگ قربانی میکردند. کاهنان قربانیان را از بین کودکان ذکور خانواده‌های مهم انتخاب میکردند و آنها را در شب مهتاب در مقابل مجسمه بعل که در آنجا آتشی افروخته شده بود، حاضر میکردند و به شعله‌های آتش میسپردند.

یونانیان و رومیان قدیم که اقوام متمدن‌تری بودند بجای انسان‌ها حیوانات را برای خدایان خود قربانی میکردند. معذک در رم قدیم صحنه‌های وحشت انگیز شکنجه، اگر نه برای جلب رضایت خدایان، لاقلاً برای سرگرمی و تفریح مردم ترتیب داده میشد.

در دوران حکمرانی امپراطوری روم، مسیحیان را تحت تعقیب و شکنجه قرار می‌دادند و در آزار آنها به ابتکار و ریزه کاریهای وحشت‌ناکی دست میزدند. مثلاً پیروان مسیح را از طریق به صلیب کشیدن، سنگ ارضوان، سر بریدن و یا افکندن آنها در قفس حیوانات درنده به قتل میرسانیدند. گاهی از اوقات بدن آن‌ها را فیرا ندود نموده و آتش می‌زدند و بصورت مشعل‌های فروزانی در باغ‌های «نرون» امپراطور رم نست میکردند و مدعوین از این صحنه‌های وحشتناک محظوظ می‌شدند و از امپراطور که دستور تهیه چنین صحنه‌هایی را داده بود، سپاسگزاری میکردند.

ولی شکنجه فقط جنبه مذهبی نداشت بلکه از قدیمی‌ترین ادوار تاریخی برای کسب اطلاعات سیاسی و نظامی نیز بکار برده میشد و آیا وارد آوردن رنج بدنی به افراد بهترین وسیله و ادار کردن آن‌ها به اعتراف نمیباشد؟ در مصر قدیم از زمان «رامس» دوم شکنجه بدنی برای وادار ساختن اسیران جنگی بافشای نقشه‌های نبرد و معرفی سرداران خود بکار برده میشد.

در یونان باستان نیز همین روش متداول بود. «هیپرید» (۱) خطیب یونانی بوسیله سر بازان مقدونی در معبد نپتون جزیره «آژین» (۲) دستگیر گردید و او را نزد «انتیپاتر» (۳) سردار فاتح مقدونی بردند وی «هیپرید» را تحت شکنجه قرارداد گرفته می‌شود خطیب یونانی برای اینکه نتواند او را وادار به اعتراف کند، زبان خود را با دندانهایش قطع کرد.

### جنایات و مجازات

قانون گذاران باستان به منظور مقنبه ساختن جنایت کاران احتمالی مقرراتی برای شکنجه دادن بزهکاران وضع نموده بودند و به عبارتی دیگر بشکنجه صورت قانونی بخشیده بودند.

در آن ادوار بین جرائم و مجازات آنها یک رابطه ای که حکایت از نوع بزه میکرد، وجود داشت. مثلاً «هستی» هادزدیک کندوی عسل را به زنبورها می‌سپردند در روز قدیم پاهای برده‌ای را که در صدد فرار بر می‌آمد، قطع میکردند. در مصر باستان زنیکه مرتکب زنا می‌گردید به قناع بینی محکوم میشد. در مواردیکه بزهکاران به مرگ محکوم میشدند، اعدام آنها در ملاء عام با تشریفات طولانی و چشم گیری صورت میگرفت. طرز اعدام در نزد ملل مختلف، متفاوت بود.

آشوری‌ها محکومین خود را با فرو کردن تیرهای چوبی نوک تیز به بدنشان آژین میبردند. یهودیان محکومین دانسگسار میکردند و رومیان قدیم آنها را مصلوب میساختند. این مجازات اخیر بیشتر در مورد بردگان اجرا می‌شد.

در «قیام» اسپارتا کوس «۶۰۰۰ برده را به صلیب کشیدند تا سایر بردگان به فکر شورش نیافتند. پس از درگذشت حضرت عیسی، «کنستانتین» امپراطور روم مقرراتی که بجای آنکه محکومین را به صلیب بکشند آنها را خفه کنند. شکنجه‌های دنیای قدیم به آنچه ذکر شد، محدود نمی‌گردید، در یونان

HIPRIDE (۱)

EGINE (۲)

INTEPATER (۳)

باستان گاهی از اوقات محکومین را به گودالی که کف آن از میخ های سر تیز پوشانده شده بود می افکندند .

در دم قدیم بزهکاران را از فراز صخره «تارپه این» فرو می افکندند . یک کاهنه ای را که از انجام وظایف خود تخلف ورزیده بود ، زنده زنده در گور مدفون ساختند . همچنین در رم باستان بموجب یکی از قوانین قدیمی کسانی را که به اتهام پدر کشی محکوم میگرددند بایک بوزینه، یک سگ ، یک خروس و یک افعی در کیسه ای می گذاشتند و سپس آن کیسه را به آب میانداختند .

در قانون همد باستان هفت نوع اعدام برای محکومین بمرگ پیش بینی شده بود که شامل به آتش افکندن ، غرق کردن ، انداختن در یک روغن داغ ، در بدن شکم ، فرو بردن تیرهای سر تیز به بدن ، خوردوله کردن بدن ، و بالاخره سپردن متهم به حیوانات درنده میگردد .

شکنجه که بطوریکه گذشت گاه بمنظور انتقام جوئی و گاه بعنوان مجازات و زمانی بمنظور جلب رضایت خدایان و گاهی بمنوان وسیله کشف اسرار سیاسی و نظامی بکار برده می شد، در قدیم بمنوان وسیله ای برای احراز حقانیت دعاوی اصحاب دعا نیز مورد استفاده قرار می گرفت ، این نوع شکنجه را شکنجه قضائی می نامیدند .

### اعتراضات منطقی

آیا واقعاً قدما معتقد بودند که برده ای که تحت شکنجه قرار میگيرد حقایق را فاش خواهد کرد . در واقع بسیاری از مردم در همان زمان نسبت به این عقیده تردید داشتند . در قرن اول قبل از میلاد یک اصیل زاده رومی موسوم به «گلوئن تیوس اویتون» (۱) پدرزن خود «اوپیانیکوس» را با اتهام این که قصد داشته است او را مسموم سازد مورد تعقیب قرار داد .

در نتیجه «اوپیانیکوس» محکوم به تبعید گردید و پس از مدتی در اثر مسمومیت در گذشت . همسر او «ساسیا» مدعی گردید که شوهرش بوسیله دامادش مسموم و مقتول گردیده است و برای اثبات ادعای خود یکی از بردگان خود را تحت شکنجه قرار داد .

در مرتبه اول برده از جریان مسمومیت و قتل اظهار بی اطلاعی کرد ولی در مرحله دوم شکنجه های ساسیا را تأیید کرد ولی این زن از بیم آنکه مبادا برده بعداً مطالبی را که بیان کرده است تکذیب کند دستور داد زبان او را قطع کنند و

چندی بعد برای این که خیالش بکلی راحت گردد برده بیچاره را مصلوب ساخت و سپس « کلوئن تیوس » را تحت تعقیب قرارداد .

« سیسرون » خطیب مشهور رم دفاع منتهم را بمهده گرفت و در مذاقات خود به ثبوت رسانید که برده در نتیجه شکنجه نه تنها حقایق را فاش نساخته بلکه وادار بدروغ گفتن گردیده بوده است . بدین ترتیب « کلوئن تیوس » تبرئه گردید . علیرغم این گونه استدلال های منطقی و برخلاف حکم عقل سلیم بکار بردن شکنجه قضائی هم چنان ادامه داشت .

« ترتولین » (۱) نیز بیهودگی شکنجه دادن مسیحیان را به ثبوت رسانید و می پرسید موقعی که مسیحیان علناً اقرار میکنند که عیسوی هستند دیگر شکنجه دادن آنها چه لزومی دارد . وی از قول یک نفر مسیحی خطاب به شکنجه دهنده چنین می گفت :

« از من می پرسی که آیا مسیحی هستم و من به مسیحی بودن اقرار می کنم پس چرا مرا شکنجه می دهی . اگر اعتراف نمی کردم چه می کردی ؟ »

### قضایات الهی

دقرون وسطی شکنجه قضائی در اغلب کشور ها منسوخ گردیده بود ولی در اسپانیا که در آنجا قوانین رم قدیم نامدتها پس از منسوخ شدن آنها در کل ( فرانسه قدیم ) و بیزانس ، حکومت میکرد ، شکنجه دادن بردگان هم چنان متداول بود .

ولی نباید تصور کرد که با از بین رفتن شکنجه های قضائی ، دوران ملامت و مهربانی شروع شده بود . متأسفانه عکس این قضیه بوقسوع پیوست البته کلیسا می کوشید که از خشونت عادات و رسوم بکاهد و بقایای شکنجه های قضائی را از بین برد .

در سال ۸۶۶ میلادی پاپ نیکلای اول طی نامه ای که به « بورس » حکمران بلغارها نوشت خاطر نشان ساخت که این گونه شکنجه ها نه از لحاظ قوانین مذهبی و نه از لحاظ قوانین عادی نمیتوانند قابل قبول باشند زیرا این وسیله تحقیق به نتیجه مطلوب نمی رسد .

ولی در همین دوره یک عقیده عجیبی که درازمنه قدیم رواج داشت از طریق

(۱) TERTULLEN - یکی از مبلغین مسیحی که در کارتاژ

متولد شده بود ( ۱۵۵ - ۲۲۰ میلادی )

در زمن، هابه کشور های اروپائی آن زمان سرایت کرد و آن اعتقاد به قضاوت الهی بود. بموجب این عقیده چنانچه متهمی دست خود را در آب جوشان فرو میبرد و آسیبی بدستش نمی رسید، می بایستی او را بی گناه دانست.

برای اثبات بی گناهی متهم آزمایش های دیگری از قبیل وادار ساختن او به راه رفتن در روی انبوهی از ذغالهای مشتعل، در دست گرفتن آهن گداخته و یا انداختن او با دست و پای بسته در يك حوض آب، وجود داشت، اگر متهم از این آزمایش ها بدون اینکه آسیبی ببیند بیرون می آمد، نتیجه گرفته میشد که خداوند از او حفاظت می کند و بنا بر این بیگناهی او مسلم میگردد، اگر در جنایتی دو نفر مورد سوء ظن قرار می گرفتند این نوع آزمایش ها را در باره هر دوی آنها بکار می بردند. در همین دوران در هندوستان نظیر این شکنجهها برای گرفتن نتایج مشابهی بکار برده می شدند. در اروپا کلیسا با بکار بردن شکنجه بنوان وسیله ای برای پی بردن به قضاوت الهی نظر مساعدی نداشت: پاپ و اینوسان، سوم کشیش ها را از شرکت در این گونه شکنجهها منع کرد.

در تمام قرون وسطی بمنظور مبارزه با جنایات، مجازات های شدیدی به مورد اجرا گذارده می شد و در این زمینه هر منطقه دارای مقررات و رسوم مخصوص به خود بود. ولی يك اصل در همه جا رعایت میگردید و آن اینکه مجازات ها باید در ملاء عام صورت گیرند.

ولی همواره بین جنایات و مجازات تناسب مقولی وجود نداشت: مثلاً ممکن بود يك نفر سارق را در صورت تکرار جرم به در آوردن چشم و با قطع گوش و حتی به اعدام محکوم نمایند، سازندگان پول های قلب را در آب داغ می جوشانند و یا به دار می آویختند.

مجازات زنا با محارم بر حسب درجه قرابت طرفین تازیانة زدن و حتی بدار آویختن تعیین شده بود مجازات افرادی که زبان به کفر گفتن میگشودند، سوراخ کردن زبان و یا بریدن لبهایشان بود اشخاصی را که به مقدسات مذهبی توهین می کردند زنده زنده میسوزانند.

در دوران سلطنت سلسله « کارولتین » (۱) ها مجازات مقاربت شخص با هم جنس خود، سوزاندن محکوم تعیین گردیده بود. شارلمانی دستور داد که افرادی که زنا کرده و بزنند یا تمهید کنند، طبق سنتی که در شهر تولوز متداول بود، زنان روسپی را در قفسه آهنی می گذاشتند و آن ها را سه بار

در آب حوض غوطه میدادند و آنگاه در قسمت مخصوصی از بیمارستان تا آخر عمرشان مجبوس میکردند .

در شهر «پروژ» يك قاضی متخلف را قطعه قطعه کرده و پوست بدنش را کردند . بعضی از انواع قتل نفس مثلاً شوهر، برادر یا پدر کشتی مشمول مجازات های بسیار شدید میگرددند ، مرتکبین این گونه قتل ها را قبل از این که اعدام کنند ، دست های شان را از هم می بریدند .

در قرن دوازدهم میلادی يك نسخه خطی از مجموعه قوانین « ژوستینین » که شامل فصل مربوط به شکنجه بود ، در ایتالیا کشف شد و از آن موقه شکنجه نه به عنوان مجازات بلکه بعنوان وسیله تحقیق در اروپا رواج یافت ، استفاده از شکنجه بعنوان وسیله تحقیق مبتنی بر این اصل است که قضات نباید استنباط شخصی خود را ملاک داورى قرار دهند بلکه قضاوت آن ها باید متکی بر دلایل قضائی غیر قابل انکار باشد و چون اعتراف متهم به جنایت انتسابی مهم ترین دلیل بزه او بشمار میرود باید این اعتراف را بهر قیمتی که شده است از او گرفت . بهمین دلیل در آن زمان کلمه استنطاق مترادف با کلمه شکنجه بود .

در آن زمان دو نوع استنطاق یا شکنجه تشخیص داده میشد . اول استنطاق مقدماتی که هدفش گرفتن اعتراف از متهم و دوم استنطاق قبل از اجرای رأی محکومیت که هدفش وادار کردن محکوم به معرفی همدستانش بود .

ولی معرفی همدستانش در محکومیت متهم تأثیری نداشت . استنطاق مقدماتی به نوبه خود شامل دو مرحله میگردد یکی مرحله عادی که در محضر متهم میدادند و دیگری مرحله فوق العاده که بموجب رأی صادره از دادگاه انجام میگرفت و طی آن شکنجه های حقیقی به متهم میدادند و دیگری مرحله فوق العاده که بموجب رأی صادره دادگاه انجام میشد و طی آن متهم مورد شکنجه های وحشتناکی قرار میگرفت . قبل از شروع شکنجه آلات و ادوات آن را به متهم نشان می دادند تا او را وادار کنند که بدون آن که نیازی به استفاده از این آلات باشد ، به گناه خود اعتراف کند ، مدت شکنجه محدود بود و معمولاً يك ساعت و ربع به طول می انجامید .

( ادامه دارد )